

شعر چیست

شرایط انتقال تجلیات فکر انسانی

« ۲ »

آنچه درباره عناصر دینی و عقلی و علمی و اجتماعی و اساطیری تمدن بشر اجمالاً و بصورت فهرست گفته شد درباره عوامل ادبی تمدن نیز صادق است زیرا ادبیات از عناصر مهم مدنیت است و طبعاً در جریان تحولات عمومی و سیر کلی تاریخ تمدن در معرض نقل و انتقال و اقتباس قرار می گیرد.

قهرمانان داستانهای که از مصر قدیم (روزگار امنحوتپ اول) باقی مانده غالباً حیوانات هستند و مطالب مورد نظر نویسندگان این داستانها از قول حیوانات بیان شده ممکن است تعمیم اصل (انتقال و اقتباس) در مطالعه و مقایسه این نوشته ها با کلیله و دمنه که در اصل هندی و بزبان (سانسکریت) بوده و در زمان خسرو اول (انوشیروان) از هندی به پهلوی و در زمان منصور دوانقی از پهلوی به عربی ترجمه شده دور از احتیاط و نظری تهور آمیز باشد در حالی که می دانیم هر دو در عهد تاریخ یاد روزگاری که با وائل عصر کتابت و تاریخ بسیار نزدیک است تهیه شده اند ولی چون هر چه از ماقبل تاریخ فاصله می گیریم و بعصر کتابت و تاریخ و سپس بعصر طلوع ادبیات نزدیکتر می شویم طبعاً حوادث را با روشنی بیشتر می بینیم .

بی احتیاطی تهورآمیز نخواهد بود اگر بگوئیم که جلال‌الدین محمد (مولوی) در داستانهای مثنوی جاودانی خود از کلیله و دمنه استفاده کرده و بسا « لافونتن » فرانسوی تحت تاثیر همین داستان نویسی از قول حیوانات سخن گفته است.

از نشانه‌های قدمت فوق‌العاده تکامل نثر در مصر یکی اینست که در داستان‌های مورد بحث محققان بصنایع لفظی و از جمله جناس دست یافته‌اند و کلماتی سراغ دارند که از حیث لفظ مشابه ولی از حیث معنی مختلفند و بطوریکه در توجیهات گذشته دیده‌ایم رسیدن باین مرحله مستلزم تمرین ذهنی طولانی و پیشرفت فوق‌العاده زبان و ادبیات یک ملت و دلیل پیشرفت و تکامل فنی ساختمان ظرف سیاله ذهن و عوامل انتقال اندیشه و ادراک است و توجه باین نکته که مصر در دروزگاری آنچنان بعید در چنین مرحله‌ای از پیشرفت و غنای زبان و ادبیات بوده واقعاً حیرت‌انگیز است.

نمونه‌های نزدیک‌تری که از این شباهت یا اقتباس در دست است داستان (۲۵ خفاش) اثر یک نویسنده هندیست که در قرن یازدهم میلادی میزیسته و شباهتی که این داستان با داستان (چهل طوطی) خودمان دارد جالب توجه است.

کمدی الهی دانته را از طرفی تحت تاثیر قرآن^(۱) و رساله‌الغفران^(۲) می‌بینیم و از سوی دیگر تحت تاثیر آثار ویرژیل و آثار ویرژیل را تحت تأثیر ایللیاد هومر.

گرچه بعضی از محققان معتقدند که هومر شاعر نایب‌ای یونان باستان یک

۱- سوره (اذا وقعت الواقعة).

۲- اثر ابوالعلاء معری.

شخصیت تصویری نظیر شمس تبریزی خودمان است و منظومه‌های زیبا و مطول موجود که در قرون اخیر وسیله اروپائیان شناخته شده در قرن ششم قبل از میلاد و در عهد (سولون) از روایات و منظومه‌های مختلف و متعدد استخراج و تنظیم و بنام هومر ثبت شده ولی بفرض که این اظهار نظر صحیح باشد صحت آن بمعنی نفی التزام انتقال عناصر سازنده تمدن در عصر هومر نیست زیرا سابقه تجلی اندیشه‌های^(۱) زیر ساز که مولود تماس مستقیم بشر با عناصر طبیعت است بسیار قدیمتر از روزگار هومر است .

زیباسازی و ایجاد موازنهٔ مطلوب و دلخواه در ادبیات عرب و شعر قبل از اسلام وجود داشت و این مقررات هنری از عهد جاهلیت باسلام و از قلمرو حکومت اسلامی بسایر نقاط نفوذ کرد .

تردیدی نیست که انقلاب اسلامی در همه چیز عهد جاهلیت از جمله در شعر آن اثر گذاشت ولی این تأثیر بیشتر در زمینه (محتوی) بود نه در زمینه (قوالب و شکل بندی) .

فورم و شکل و مقررات شعری تقریباً همان بود که در عهد جاهلیت موجود بود و بهمان صورت نیز باقی ماند در حالی که بیان افسانه‌های عهد جاهلیت بزبان شعر تدریجاً متروک شد و قوالب و ظروف در انتظار محنوی و مظروف تازه و انقلابی باقی و خالی ماند .

کم کم تحت تأثیر معتقدات جدید دینی و اجتماعی و مقتضیات و مصالح عمومی و خلق اصطلاحات تو، مسائل مستحدثه موضوع شعر قرار گرفت و بجای خود را در شعر عرب باز کرد و در نتیجه این تحول فکری و ادبی رابطه شعر و زندگی وسعت یافت و بجای قصائد ثقیل و سنگین باقوافی و اوزان خسته کننده

اشعار سلیس و عامیانه و توده پسند تجلی نمود.

این تحول زبان عرب را گسترش داد ولی . مقام رفیع و ارجمند شعر موزون و مقفی را که از عهد جاهلیت بیادگار مانده بود متزلزل نکرد و از اهمیت آن نکاست .

آثار ادبی عهد عباسیان نمودار بارز این گسترش ادبیات عرب و تجدد طلبی و تجدیدنظر در ساختمان فنی شعر عهد جاهلیت توأم با حفظ علاقه و احترام کامل بستمهای ادبی قبل از اسلام است تا حدیکه (ابوالعلاء معری) که یکی از بزرگترین شخصیت های ادبی و فلسفی عصر خود بود با وجود اندیشه های انقلابی و نوجوئی های ویژه خود بشعر قدیم عرب احترام می گذاشت .

ظاهراً این متفکر بزرگ قرن چهارم اسلامی درک میکرد که تزئینات کلام و زیباسازی شعر عرب عهد اسلامی گرچه از عهد جاهلیت مایه میگیرد ولی اساساً مولود تمایل طبیعی انسای نیز هست و بفرض بایک جهش و حرکت انقلابی - که توانائی ایجاد این جهش را نیز داشت - این قیود را از دست و پای شعر عرب باز میکردند تدیجاً و بمرور زمان نظامات و ضوابط جدیدی که نوعی وزن و قافیه بصورت دیگر خواهند بود بمنظور تزئین و ایجاد موازنه در کلام جانشین نظامات کهن میشد .

آنچه در مورد تأثیر شعر جاهلیت در شعر عهد اسلامی گفته شد در مورد شعر یونانی و لاتین نیز کاملاً صادق است .

در روزگاری که شعر لاتین در آستانه پیشرفت و تکامل قرار داشت شعر یونانی در همسایگی آن در اوج لطف و زیبایی و در مرحله کمال واقعی خود بود و با این ترتیب شعر لاتین نمیتوانست از شاعرانی نظیر (پیندار) که اشعارش موزون و مقفی و آراسته بصنایع و بداشتن عبارات سنگین و خوش آهنگ مشخص و ممتاز

بود متأثر نباشد و با جرأت میتوان گفت که اگر تحت تأثیر زبان و ادبیات غنی و شعر پرمایه و پرسابقه یونانی نبود قصیده مقفی و موزون (پولیسیان) بزبان ایتالیائی که ضمن آن تاریخ شعر از روزگار (هومر) تا عاصو (پوکاتچو) خلاصه شده مجالی برای بروز و تجلی نمی یافت و در اشعار پوکاتچو و سوز و گداز عاشقانه (پترارک) در عشق به (لائورا) وزن و قافیه بزیباترین صور ممکنه نشان داده نمی شد بنابراین تردیدی نیست که وزن و قافیه در شعر لاتین بحد قابل ملاحظه ای متأثر از شعر یونانی است .

عده ای از محققین معتقدند که وزن و قافیه از شعر عرب و با اسلام به شعر اروپا راه یافت این عقیده که طرفداران زیادی دارد بنظر من باین دلیل قوت گرفت که ریشه اغلب زبانهای اروپائی لاتین است (۱) و چون تأثیر ادبیات و شعر عرب در لاتین مورد انکار نیست و شعر عرب نیز حتی از روزگار قبل از اسلام موزون و مقفی بوده طبعاً شعر اروپائی از طریق لاتین متأثر از شعر عرب و بهمین دلیل موزون و مقفی است .

تردیدی نیست که پس از نفوذ اسلام و ادبیات اسلامی و عرب در اروپا با توجه باینکه گویندگان و نویسندگان عهد اسلامی سخت علاقمند و مقید به وزن و قافیه بوده و حتی نثر را نیز موزون و مقفی می پسندیدند رعایت وزن و قافیه در اشعار لاتین رونق و رواج بیشتری یافت .

ولی با قاطعیت و بطور کلی وزن و قافیه در شعر اروپائی را متأثر از ادبیات عرب و اسلام دانستن دور از احتیاط و اغراق آمیز است زیرا شواهدی در دست است که نشان میدهد در اروپای عهد بت پرستی یعنی قبل از

۱ - بمقالات گذشته راجع به تاریخ پیدایش زبانها و طلوع ادبیات ملی در کشور

های اروپا رجوع شود .

طلوع مسیحیت نیز وزن و قافیه در شعر رعایت میشده است .

در اینمورد نیز مانند تأثیر در مقابل احتمالی نثر مصر و هند که شرح آن گذشت نمیتوان بضرر قاطع اظهار نظر نمود که شعر عرب عهد جاهلیت و شعر لاتین عهد بت پرستی کدامیک بیشتر در دیگری اثر داشته‌اند و شعر در زبانهای اروپائی منشعب از زبان لاتین بکدامیک از این دو بیشتر مدیون است . لازم بیادآوری است که اصل (تأثیر متقابل) در این دو مورد بیشتر صادق است تا در دومورد داستان‌نویسی مصری و داستان‌نویسی هندی، زیرا قلمرو مدنیت لاتین و عرب بهم نزدیکتر از قلمرو مدنیت مصر و هند است همچنین از نظر زمانی نیز مدنیت لاتین و عرب بعصر ما نزدیکترند .

درباره مدنیت‌های شرق ممالک اسلامی و عربی نیز این اصل صادق است سرنوشت کتاب افسانه‌ای (بیدپای) که ظاهراً در اصل بزبان (سانسکریت) بوده و سپس به پهلوی و از پهلوی به عربی و از عربی به عبری و لاتین و از لاتین به اسپانیولی و انگلیسی ترجمه شده نشان میدهد که فرهنگ و مدنیت و ادبیات ملل چه آمادگی و استعدادی در طی مسیر طولانی و پیچ در پیچ دارد و چطور بزبان و ادبیات و فرهنگ ملل مختلف در یکدیگر اثر میگذارند .

(دنباله دارد)

• • •

سپاسگزاری - در شماره پیش مجله شریفه ارمغان استاد بزرگوار جناب آقای جمال زاده رهی را مورد الطاف و مراحم بی‌شائبه خویش قرار داده بودند که موجب کمال افتخار و تشکر میباشد . صحت و سلامت وجود شریفشان را در راه خدمت بادب و دانش همواره از درگاه خداوند متعال مسألت مینمائیم .

(معینی)